

— مریم حقی (کورانی)

بستان ۵

تازه های نشر عربی

۱۶۶-۱۶۱

سلسله نوشته‌های «بستان» که با انگیزه معرفی، بررسی و نقد کتاب‌های به زبان عربی در حوزه مطالعات اسلامی از شماره ۱۵۷ شروع شده و البته در شماره ۱۶۱ متوقف شده بود، از این شماره و با (بستان ۵) ادامه می‌یابد، اما با این تفاوت که این بار معرفی اجمالی و کوتاه از کتاب‌های تازه چاپ عربی مدنظر است. در هر شماره از «بستان» چند کتاب تازه مطالعات اسلامی با در نظر گرفتن یک موضوع مشخص معرفی خواهد شد.

آینه پژوهش

بستان ۵ تازه‌های نشر عربی

مریم حقی کورانی

چکیده: نویسنده در نوشتار حاضر در پی معرفی چندین کتاب است که در زمینه اجتهاد و اصول فقه و تفاوت و هابیان و حنبلیان به قلم شیوخ اهل تسنن در مصر، شام، فلسطین و اردن نوشته یا چاپ شده است.

کلیدواژه: نشر عربی، تازه‌های نشر، اهل تسنن، اهل سنت، اجتهاد، اصول فقه، و هابیان، حنبلیان، معرفی کتاب، فقهای سنی.

Garden (5)

Arabic New Releases

By: Maryam Haqqi Koorāni

Abstract: In the present paper, the author seeks to introduce several books that have been written or published in the field of ijtiḥād, the principles of jurisprudence, and the differences between the Wahhabis and Hanbalis by the Sunni Sheikhs in Egypt, the Levant, Palestine and Jordan.

Key words: Arabic publication, Arabic new releases, the Sunnis, ijtiḥād, the principles of jurisprudence, the Wahhabis, the Hanbalis, book report, Sunni schools.

البستان (۵)

جدید المنشورات العربیة

مریم حقی کورانی

تسعی الكاتبة في هذا المقال إلى التعريف ببعض الكتب التي تبحث في مسائل الاجتهاد وأصول الفقه والفرق بين الوهابيين والحنابلة، وهي الكتب التي قام بتأليفها ونشرها شیوخ أهل السنة من مصر والشام وفلسطين والأردن.

المفردات الأساسية: الانتشارات العربية، الإصدارات الجديدة، أهل التسنن، أهل السنة، الاجتهاد، أصول الفقه، الوهابيون، الحنابلة، تعريف الكتاب، فقهاء السنة.

بستان ۵

تازه های نشر عربی

— مریم حقی (کورانی)

چند کتاب از فقهای سنی

در جهان مسلمانان عربی زبان چه مطالبی نوشته و خوانده می شود؟ در این شماره با چند کتاب آشنا می شوید که به دست شیوخ اهل تسنن در مصر، شام، فلسطین و اردن نوشته یا چاپ شده است. نخست چند کتاب راجع به اجتهاد و اصول فقه و سپس دو کتاب در بیان تفاوت وهابیان و حنبلیان.

نخست: تلاش برای احیای اصول فقه

دنیا، دنیای مسائل جدید است. مسئله جدید یعنی نیاز به اجتهاد و اجتهادی پاسخگوست که محصول دستگاه استدلالی دقیق و نیرومند باشد. در گذشته اصولیان بزرگ سنی، ایرانی بودند (فخر رازی، غزالی، سرخسی)، چنان که بزرگان اصول شیعه هم ایرانی بودند (شریف رضی، شریف مرتضی، شیخ طوسی). به تدریج با تشیع ایران، راه برای پیشتازی اصول فقه شیعی هموار گشت، اما اصول فقه سنی رو به افول گذاشت. هم اکنون فقهای اهل سنت می کوشند با بررسی احکام مجتهدان بزرگ خود و شناخت اصول اجتهادات آنان، پایه فقهی خود را قوی سازند. در ادامه به معرفی کتابی در این حوزه می پردازیم.

- المناهج الاصولية في الاجتهاد بالرأی فی التشريع الإسلامي، د. عبدالملک بن عبدالرحمن السعدی، دار النور المبین، عمان، الأردن، ۲۰۱۷، ۱۳۵ ص.

این کتاب به عنوان کتابی درسی برای طلبه علوم دین در مقاطع تحصیلات تکمیلی نوشته شده و کتابی متنی و مختصر است. نویسنده در این کتاب از میان ضوابط و قواعد اصولی فقه، مهم ترین مباحث مربوط به اجتهاد به رأی را جدا و معرفی کرده و اختلافات علمای اصول درباره هر یک را تقریر کرده است تا راهنمایی برای اجتهاد در باب مسائل مستحدثه (المسائل المستحدثة والمعاصرة) باشد. همین نکته که کتابی درسی برای آموزش اجتهاد منتشر شده است، نشان دهنده تلاش هایی برای تقویت این امر و هرچه بازتر کردن باب اجتهاد در فقه سنی است.

نویسنده پس از تاریخچه و تعریف اصطلاحات (منهجه، اصول، دلالات، مجتهد و...)، هر بخش را به یک «منهجه» یعنی روش اختصاص داده و آن را شرح داده است؛ مثلاً منهجه الاستدلال بفهوم الموافقة و یا منهجه دلالة الأمر الحتمی و... نویسنده، این مباحث به ویژه استحسان، عرف، سد الذرائع و استصحاب را مهم ترین ابزار فقیه برای اجتهاد می داند.

گرچه بنای ما معرفی «تازه های نشر» است، اما حال که سخن از اصول فقه است، استطراداً بی راه نیست که برای آشنایی پژوهشگران با پیشینه بحث به دو سه کتاب نه چندان تازه هم راجع به قواعد اصول و تجدیدنظرخواهی در اصول اشاره شود:

۱. این تحلیل از تاریخ اصول فقه و نقش ایرانیان در آن، از استاد ارجمند آیت الله علی کورانی است.

- القواعد و الضوابط الفقهية في السنن الأربعة: دراسة استقرائية تطبيقية، عبدالله محمد علي القاضي، دار الوثام، قاهرة، ۲۰۱۵، ۲ جلد، حدود ۶۰۰ ص.^۲

این کتاب در اصل، پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده در دانشگاه قاهره بوده است. چنان که از عنوانش هویدا است، دانشجو سعی کرده تمام منابع قواعد و ضوابط را استقرا کند و چیزی را از قلم نیندازد. از این رو علاوه بر متن کتاب، فهرست منابع آن نیز قابل توجه است. همچنین نگارنده در بخش پیشینه پژوهش (الدراسات السابقة) به معرفی ۷ پایان نامه، ۸ کتاب و یک نهاد ویژه گردآوری قواعد در عربستان و امارات و بحرین پرداخته است (مجمع الفقه الاسلامی در جده با همکاری مؤسسه زاید در امارات قواعد چهار مذهب را در ۱۵ سال گردآوری کرده است و دولت بحرین نیز پروژه‌ای برای گردآوری قواعد شیعه با تأکید بر زیدیه انجام داده است). نویسنده در پایان افزوده است:

اما هیچ یک از این مطالعات و کارهای انجام شده به پرسش محل بحث ما پاسخ نداده است: آیا قواعد و ضوابط فقهی دلایلی دارد که با آن عمل می‌کند یا خیر؟

- القواعد الفقهية و تطبيقاتها في المذاهب الأربعة، د. محمد مصطفى الزحيلي، دارالفکر دمشق و دار الفكر المعاصر بیروت، ۲۰۱۵، ۲ جلد، حدود ۱۳۵۰ ص.

نویسنده این کتاب استاد دانشگاه دمشق و سپس دانشگاه شارجه (امارات) بوده است. وی در مقدمه و پیش درآمد کتاب (المقدمة و الباب التمهیدی) تاریخچه توجه به قواعد فقه در دنیای مذاهب سنی را از اواسط سده نوزدهم میلادی تا کنون، از مجله الأحكام العدلیة و کتاب‌های ویژه یک مذهب گرفته تا موسوعه‌های قواعد فقه چارمذهب را فهرست وار آورده و سپس به شرح تفصیلی هر قاعده پرداخته است.

- نظرية التجديد الأصولي: من الإشكال إلى التحرير، د. حسان شهيد، مركز التمااء للبحوث و الدراسات، بیروت، ۲۰۱۲، حدود ۲۹۰ ص.

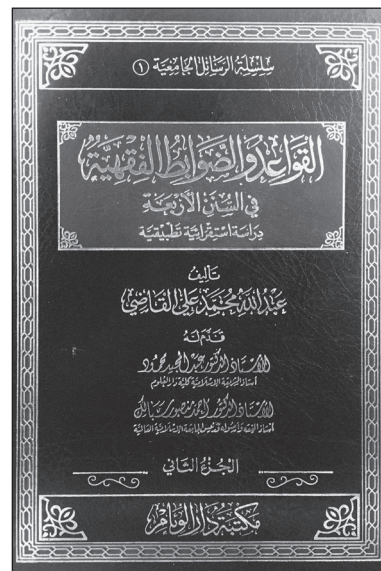
اگر علاقه مند به مباحث تجدید نظر در اصول فقه در جهان سنی مذهب هستید، این کتاب می‌تواند رسانه مناسبی باشد. نویسنده مراکشی این کتاب کوشیده تا مهم‌ترین مباحث نظری و معرفت‌شناختی تجدید نظر در اصول فقه را به دقت گردآوری و بررسی کند. فهرست منابع آن نیز برای یافتن نام و نشان فقهای سنی نظریه پرداز در این حوزه، حائز اهمیت است.

دوم: وهابیان، حنبلی نیستند

سلفی‌گرایی معاصر با محمد بن عبدالوهاب پا گرفت، با نفت آل سعود به سوی شرق و غرب به راه افتاد و خود را فرزند «سلف صالح» و شاگرد مکتب احمد بن ابن حنبل خواند، اما اکنون تشتت رسوایی اش از بام افتاده و صدای پیران کهن سال به اعتراض برخاسته: این جوان خون‌ریز و جاهل را از خود نمی‌دانیم.

مشهور است که وهابیان شاخه‌ای از حنبلیان‌اند، اما بسیاری از علمای حنبلی هم اصرار دارند تا مرز میان خود و سلفیان را روشن کنند و ننگ آن را از دامن بشویند. البته چنین نقدهایی در عربستان گران تمام می‌شود، پس بیشتر در مصر و گاه در شام و حاشیه خلیج شاهد انتشار آنیم. در اینجا با دو نمونه از مرزگذاری حنبلیان میان خود و سلفیان آشنا می‌شویم.

گفتنی است که این نویسندگان اصرار دارند تا این گروه از مدعیان اسلام را السلفية المعاصرة بنامند. شاید



۲. با توجه به اطلاعات سایت Lib.ir (پایگاه اطلاع‌رسانی کتابخانه‌های ایران) ظاهراً این کتاب هنوز در کتابخانه‌های ایران ثبت نشده است. نگارنده این کتاب، و چند کتاب دیگر معرفی شده در این شماره، را در میان خریدهای جدید کتابخانه دانشگاه ادیان و مذاهب از نمایشگاه کتاب تونس پیدا کرد که بدین وسیله از مدیریت محترم آن کتابخانه جناب آقای شجاعی به خاطر اجازه دسترسی به بخش فهرست‌نویسی تشکر می‌نماید.

تا حساب آنان را از هر آن که در گذشته بوده و سلفی و مقبول است، جدا کنند.

- السَّادَةُ الحَنَابِلَةُ وَاخْتِلَافُهُمْ مَعَ السَّلَفِيَّةِ المُعَاصِرَةِ، تأليف: مصطفى حمدو عليان الحنبلي، تقديم (مقدمه): الشيخ محمد السيد الحنبلي الأزهرى، الشيخ محمد عبدالباسط آل الشيخ الرحباني الحنبلي، الشيخ محمد عصام الدين الشطلي الحنبلي، دار النور المبين، عمان، الأردن، ٢٠١٧، ٨٤٠ ص.

این کتاب را مصطفی حمدو، شیخی حنبلی از دانشگاه الازهر قاهره نوشته و به احمد بن حنبل تقدیم کرده است. سه تن از شیوخ و استادان حنبلی نیز برای آن مقدمه و تقریظ‌هایی نوشته‌اند که گاه لحنی پرشور و خشمگین علیه وهابیان می‌گیرد، مثلاً مقدمه محمد عبدالباسط شامی. باین حال لحن خود نویسنده نسبتاً ملایم است. در مقدمه چاپ دوم می‌گوید:

این کتاب برخی «إخواننا من السلفية المعاصرة» را خوش نیامده و آن را دشمنی با محمد بن عبد الوهاب انگاشته‌اند، حال آنکه هدف من اشکال به سخنان او بود، نه نکوهش آنان و به هر روی، تبعیت از حق مهم‌تر از تبعیت از مشایخ معاصر است.

وی در فصل اول پس از تمجید از ابن حنبل نظرات منتقدان حنبلی ابن تیمیه را نقل کرده و این‌گونه جمع‌بندی می‌کند که او گرچه عالم و فقیه بزرگی است، حتی برای شاگردان خود - مثلاً ذهبی و ابن قیم مقدس نبوده. می‌گوید ابن تیمیه معذور است، چون مجتهد است، ولی اتباعش معذور نیستند، چون او شایسته تقلید نیست. سپس ۴۰ شیخ و ۱۵ خاندان حنبلی مخالف سلفیه معاصر (یعنی وهابیت) را معرفی می‌کند.

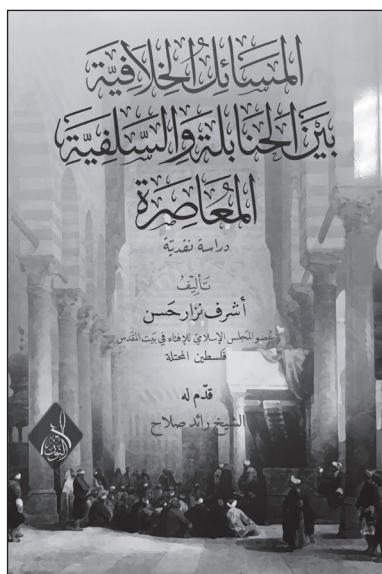
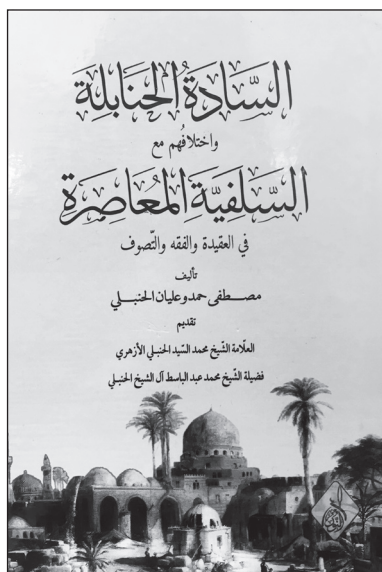
در فصل دوم تفاوت‌های اعتقادی حنبلیان و وهابیان را برمی‌شمارد؛ از اختلاف نظر در جایگاه عقل و فطرت و جواز یادگیری علم کلام (که وهابیان آن را بر نمی‌تابند)، خداشناسی، معاد، قرآن و تفویض تا اختلافاتی چون جایگاه پیامبر (ص)، والدین پیامبر، اصحاب (عایشه، علی و آل‌البیت، مصداق الفتنه الباغية و...)، بنی‌امیه و اعتقاد به ظهور امام مهدی (ع).

در فصل سوم به سراغ تفاوت‌های فقهی رفته است؛ از تفاوت بر سر مشروعیت تقلید از کسی به جز چهار امام سنی، شرایط مفتی، شروط و تعریف بدعت، تا برخی آرای ابن حنبل در حدیث و در پایان نیز نمونه‌هایی از تفاوت احکام در مسائل فقهی (از نماز و زیارت و ازدواج تا مسائل سیاسی و حکم همکاری با سلطان).

در فصل چهارم به اختلاف نظر راجع به تصوف پرداخته است. می‌گوید که به رغم وهابیان ما تصوف صحیح را همان زهد و پرهیزکاری و اخلاص می‌دانیم که جوهر اسلام است. موضع ابن حنبل نسبت به صوفیان عصر خود (معروف کرخی، ذوالنون، محاسبی و...) را نقل کرده و به بیان موضع ایجابی حنبلیان نسبت به برخی مفاهیم و آداب صوفیه (کشف، ذکر، تسبیح انداختن، شعر سرودن، جشن میلادگرفتن، اعتقاد به معجزات پیامبر و کرامات اولیا، تبرک جستن، توسل به قبور از جمله قبر حسین (ع) و...) می‌پردازد و در پایان تعدادی از بزرگان حنبلی که پیرو طریقت تصوف بودند، مانند عبدالقادر جیلانی، سهل تُستری، ذهبی، بربهاری و... را بر شمرده و معرفی می‌کند.

نویسنده در خاتمه کتاب، آن طلبه سلفیه را که از مذاهب اربعه خارج گشته‌اند اندرز می‌دهد تا از این جدل و قیل و قال و انحراف بگذرند و ایرادگیری از ائمه مذاهب را رها کنند که خود به پای آن پیشینیان هم

۳. نسبت دادن این ویژگی‌ها و آداب به صوفیه جای تأمل بسیار دارد. نگارنده مدعی است که در میان سنیان، نزدیک‌ترین گروه به شیعه صوفیان بوده‌اند و این موضوع را در مقاله‌ای با عنوان «لزم بازنگری در تاریخ رابطه تشیع و تصوف» (زیر چاپ) توضیح داده است.



نمی‌رسند و در نهایت به مذهب حق اهل حدیث، یعنی مذهب احمد بن حنبل بازگردند.

المسائل الخلافية بين الحنابلة والسلفية المعاصرة، دراسة نقدية: أشرف نزار حسن، قدم له: الشيخ رائد صلاح، دار النور المبین، عمان، اردن، ۲۰۱۸، ۱۰۹ ص وزیری.

نویسنده این کتاب عضو مجلس فتوای بیت المقدس در فلسطین است و مقدمه کتاب را شیخ رائد صلاح نوشته است که شخصیتی سیاسی مذهبی است و فعالیت‌های ضد اسرائیلی اش مشهور است.

اشرف نزار در مقدمه می‌گوید که سلفیه معاصر یعنی وهابیت، با شیوخی چون ابن باز، ابن جبرین و ابن عثیمین (که برای آنان از خدا آمرزش می‌طلبند)، خود را حامی عقیده اهل سنت و جماعت می‌خوانند، اما در واقع چنین نیست؛ زیرا نظرات آنان مخالف احمد و شاگردان او و بزرگان مذهب حنبلی است. (در مقدمه شیخ رائد صلاح برای کتاب آمده که برخلاف مشهور، احمد اهل تساهل و تسامح است؛ زیرا پیروان مذاهب اهل سنت را تکفیر نمی‌کرده است). اشرف نزار سلفیان معاصر را نوظاهری (الظاهرین الجدد) می‌خواند و معتقد است که اینان حتی تابع ابن تیمیه هم نیستند (ص ۱۸)، بلکه در عمل، حزبی سیاسی اند که دنبال برنامه سیاسی خویش اند، گرچه خود تحرّج سیاسی را بدعت می‌دانند. (ص ۱۶) او با استناد به سخن قرضاوی می‌گوید که سلفیه معاصر، ظاهر نصوص جزئی را گرفته، ولی از مقاصد شرع غفلت کرده‌اند و می‌افزاید این کتاب را نوشتن تا باب شر و بدعت و منکر را ببندم، گرچه همه مسائل در این کتاب نیامده و جای کار بسیار است.

نویسنده این کتاب مختصراً در سه مبحث تدوین کرده است: عقیده، اصول و فقه. اختلافاتی چون صفات الهی، تأویل، توّسل و تبرّک، بدعت و معراج را در مبحث عقیده آورده است. مبحث اصول را به فکر سلفی اختصاص داده که عبارت است از: بطلان تقلید، انکار اختلاف فقهی، و تغییر نیافتن فتوا با تغییر مکان و زمان. در مبحث فقه نیز پس از انتقاد از هجوم سلفیه معاصر به صوفیه و تحریم زیارت قبر پیامبر (ص)، به تفصیل به بیان مسائل اختلافی (المسائل الخلافية) میان حنبلیان و سلفیان معاصر پرداخته است: مسائل طهارت، نماز، ماه رمضان، «مسائل فی الحظر و الإباحة» (شامل فتوهای تحریمی که ناظر به زندگی روزمره است، مانند حرام بودن پوشیدن لباس قرمز رنگ، باز بودن چهره زن، ایستاده چیزی نوشیدن، با دست چپ غذا خوردن و...)، مسائل اعتکاف و دعا و مناسبت‌هایی چون جشن گرفتن در میلاد پیامبر و نیمه شعبان، مسائل طلاق، قرآن (مانند حکم بوسیدن قرآن، پول دادن بابت خواندن قرآن و...)، زکات و عقوبات (قبول توبه ساحر، حکم نوشتن چیزی بر روی قبر، قرآن خواندن و کاشتن درخت خرما بر سر قبر و...).

در شماره آینده به سراغ اصحاب دانشگاه و روش‌های مدرن خواهیم رفت و چند پژوهش عربی تازه چاپ پیرامون مسائل جهان اسلام را از نظر خواهیم گذرانند. ان شاء الله!

